

شهریار

روزنامه شهر امید و زندگی

SHAHRARANEWS
شنبه
۱۴ دی ۱۳۹۸ | ۰۸ جمادی الاول ۱۴۴۱
شماره ۳۰۱۱ | ۷۰۰ تومان

۱۴ صفحه + ۴ صفحه ورزشی
۱۶ صفحه ویژه شهرآرأ محله
۱۴ دی ۱۳۹۸ | ۰۸ جمادی الاول ۱۴۴۱
شماره ۳۰۱۱ | ۷۰۰ تومان

یادداشت

رمز محبوبیت سردار



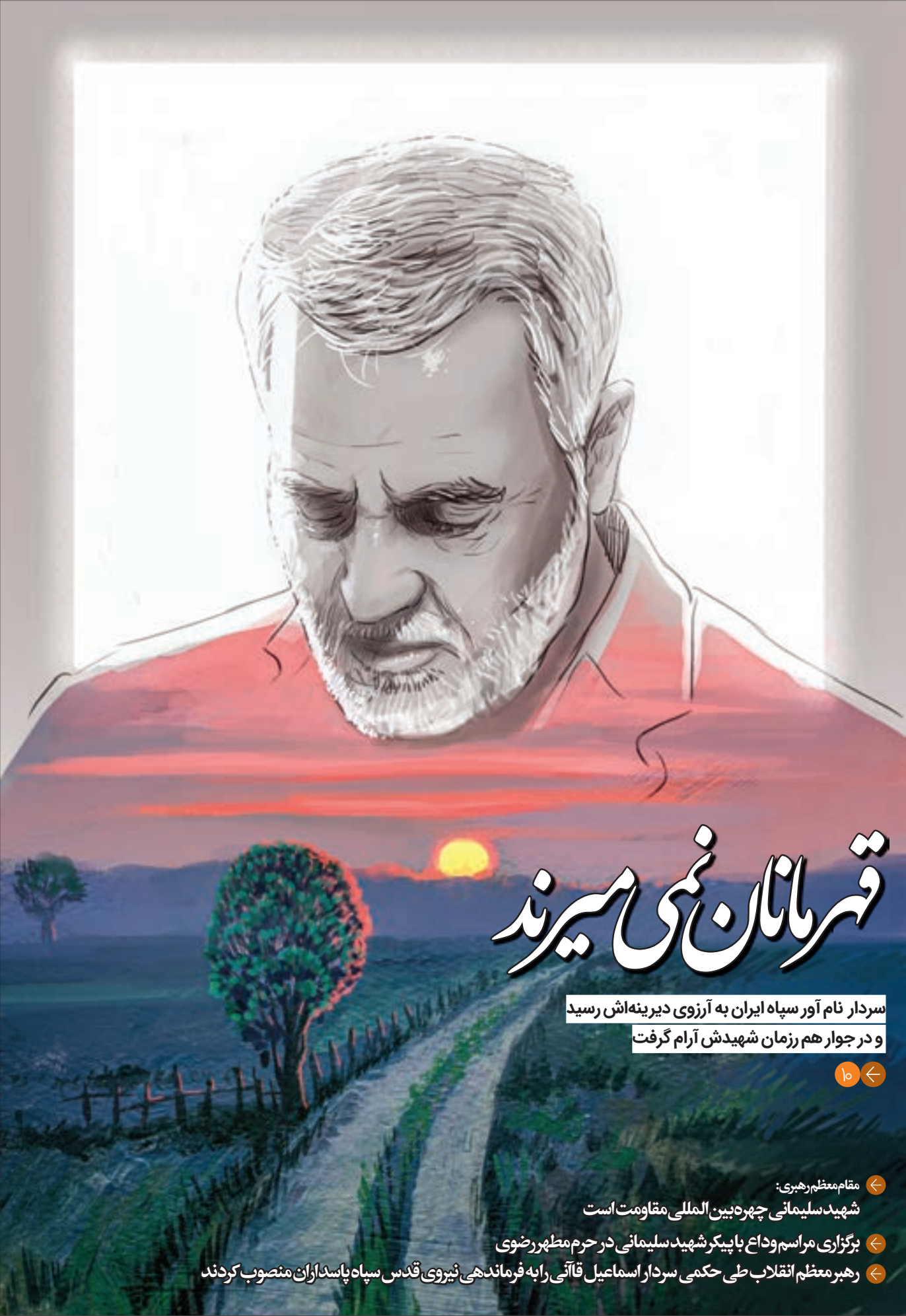
عباس عیدی
رئیس انجمن منشی
روزنامه‌نگاران

سردار شهید قاسم سلیمانی را فقط نمی‌توان از پیشوند سرداری شناخت یا او را و جایگاهی را تحلیل کرد، بهتر است گفته شود که پیشوند سرداری یکی از پیشوندهایی است که می‌توانست ابتدای نام او قرار گیرد و چه بسا مهم‌ترین آن‌ها نیز نبود. سرداران زیادی در جهان و ایران بوده‌اند که خدمات نظامی برجسته‌ای کرده‌اند، ولی هیچ‌گاه مثل شهید سلیمانی مورد احترام نبوده و نفوذ پیدا نکرده‌اند. علت چیست؟ علت را باید در رعایت اصول اخلاقی از سوی وی جست‌وجو کرد. هر گاه که نام یک نظامی را می‌شنویم، بلافاصله چهره‌ای مرور و تا حدی متکبر و خشن و با صلابت نظامیان در ذهنمان خطور می‌کند. چهره‌ای که کلمات او همراه با قاطعیت نظامی و آمرانه و متکی به قدرت اسلحه و مستظهر به نیروهای تحت امر است. البته این‌ها برای یک نظامی لزوماً منفی نیست، شاید لازمه یک نظامی هم باشد، ولی سلیمانی فراتر از این یک فرد مستقل، اخلاقی، سیاست‌مدار و با روابط عمومی بسیار قوی و متواضع بود، به نحوی که می‌توان او را یک نظامی عارف دانست که فقط بر حسب اتفاق به کسوت نظامی درآمده است، ولی جالب آنکه در این کسوت نیز بهترین عملکرد را داشته است و در نزد دوست و دشمن به احترام او یاد می‌شود.

چهره قاسم سلیمانی به گونه‌ای است که اگر او را در لباس غیر نظامی ببینید، متوجه نمی‌شوید که مهم‌ترین فرمانده نظامی منطقه است. گمان می‌کنید یک عابد و فردی عادی است که تمایزی میان او و مردم معمولی نیست. ویژگی مهم سلیمانی قابلیت گفت‌وگو کردن با او بود. تمامی کسانی که تجربه گفت‌وگو با او را داشته‌اند، همواره بر حاکمیت منطق بر گفتار تأکید می‌کنند که هیچ‌گاه حس نکرده‌اند که او در بیان مقصود خود یا فهم یار د نظر دیگران اتکا به قدرت نظامی را به رخ کشیده باشد، و این برخلاف رفتار نظامیانی است که سخن سیاسی و منطقی آنان در کنار بیان نظامی و مبتنی بر قدرت و اسلحه، کمرنگ است و به حاشیه می‌رود.

قاطعه‌ای می‌توان گفت که سردار سلیمانی سیاست‌مدارترین شخص در میان نظامیان بود. او هم سیاست داخلی را خوب می‌فهمید و هم در سیاست منطقه‌ای سرآمد بود، ولی عجیب‌تر اینکه به‌ندرت دیده می‌شد که در سیاست دخالت کند. مرز میان جایگاه سیاسی و نظامی را رعایت می‌کرد. ادبیات او در عرصه عمومی هیچ شباهتی به نظامیان دیگر نداشت، قاسم سلیمانی معتبرترین نظامی ایران بود که می‌توانست لباس سیاست را به تن کند، بدون آنکه بخواد میراث‌خوار سابقه درخشان نظامی خودش شود. او بهتر از همه می‌دانست که نظامیان باید فراتر از سیاست، مدافع مرزهای کشور و امنیت ملی باشند و برای همه سیاسیون و مردم محترم و مقبول باشند. و او به این فهم خود ملتزم بود و در عمل به گونه‌ای رفتار کرد که افکار عمومی هیچ انگی سیاسی به کنش نظامی او نمی‌زد.

شهید قاسم سلیمانی انسانی خودساخته بود که از پایین‌ترین مراتب نظامی در جنگ به بالاترین مرتبه رسید. او مذاکره‌کننده‌ای توانمند بود که در جریان مسائل افغانستان به‌خوبی از عهده این کار برآمد و هماهنگی بالایی را با وزارت امور خارجه به نمایش گذاشت. بخشی از نقشه‌کنونی خاورمیانه محصل کیاست و سیاست قاسم سلیمانی است. تاریخ ایران از او به نیکی یاد خواهد کرد. ●



فرمانان نمی‌سیرند

سردار نام آور سپاه ایران به آرزوی دیرینه‌اش رسید

و در جوار هم رزمان شهیدش آرام گرفت

← ۱۰

← مقام‌مظفر رهبری:

شهید سلیمانی چهره‌بین‌المللی مقاومت است

← برگزاری مراسم وداع بابیکر شهید سلیمانی در حرم‌مظفر رضوی

← رهبر معظم انقلاب طی حکمی سردار اسماعیل قاتّی را به فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران منصوب کردند

یادداشت

قاسم، پسر ایران!



غلامرضا بنی‌اسدی
روزنامه نگار

بزرگی می‌کردند. او «حاج قاسم» بود و چند نفر را در خاطر دارید که مردم در کنار هم نشانند که نسیم هم راهی برای عبور پیدا نکند، چه رسد که سواس‌های خناس بخواند میان ما راه باز کند. مگر خون بهشتی ما را به وحدت جدا کنی نرساند؟ مگر خون رجایی این وحدت را قوامی افزون تر نبخشد؟ مگر هر شهیدی که بر خاک افتاد، خویش اقتدار مضاعف نشد در بازوان ما؟ مطمئنم، به خدای سلیمانی مطمئنم اعجاز خون این مجاهد بزرگ، همدلی بزرگی آفرین را در ایران قوتی صدچندان خواهد داد، چه برای ایرانیان سردار سلیمانی فقط یک فرمانده نبود، هر چند در شمار استراتژیست‌ترین ژنرال‌های دنیا به حساب می‌آمد. او برای ایران، برای مظلومان جبهه مقاومت، یک «فرزند رشید» بود. او را با اسم کوچک می‌خواندند مردم، «قاسم» را پسر و برادر خویش می‌دانستند و به نام او

بزرگی می‌کردند. او «حاج قاسم» بود و چند نفر را در خاطر دارید که مردم در کنار هم نشانند که نسیم هم راهی برای عبور پیدا نکند، چه رسد که سواس‌های خناس بخواند میان ما راه باز کند. مگر خون بهشتی ما را به وحدت جدا کنی نرساند؟ مگر خون رجایی این وحدت را قوامی افزون تر نبخشد؟ مگر هر شهیدی که بر خاک افتاد، خویش اقتدار مضاعف نشد در بازوان ما؟ مطمئنم، به خدای سلیمانی مطمئنم اعجاز خون این مجاهد بزرگ، همدلی بزرگی آفرین را در ایران قوتی صدچندان خواهد داد، چه برای ایرانیان سردار سلیمانی فقط یک فرمانده نبود، هر چند در شمار استراتژیست‌ترین ژنرال‌های دنیا به حساب می‌آمد. او برای ایران، برای مظلومان جبهه مقاومت، حتی همین امروز که او واقعی بدون تبلیغات قهرمان می‌شوند. قهرمانان به‌بازوی دیگران بلند نمی‌شوند که خود بازوی یک ملت اند. از این‌رو قهرمانان نماد افتخار می‌شوند تا حیات دوام‌یک‌ملت تضمین شود. در روزگار ما این افتخار و نشان بر سینه مردی نشست که به ناگاه نامش بر سر زبان‌ها افتاد. او که نه تنها هیچ کس تبلیغش نکرد که حتی خود از رسانه‌ها خواست از

همواره ایستاده خواهد ماند. این درست که افقی در خاک خواهد خفت، اما در دل مردم، در دل تاریخ، ایستاده و قائم خواهد ماند مردی که معنای ایستادگی بود و معنای ایستادگی هست که شهادت نه پایان که آغاز نقش آفرینی متفاوت شهید است. نقشی که همه بمب‌های دنیا نمی‌توانند آن را خراش اندازند و یقین دارم قاسم سلیمانی که امروز، در بامداد جمعه، متولد شد برای دنیای کفر بسی پر خطر تر خواهد بود از سرداری که در محدودیت‌های این جهانی با دشمن روبه‌رو می‌شد. اگر خود او داعش را نابود کرد، شهید قاسم سلیمانی، از کان ستم را هدف خواهد گرفت و دور نیست روزی که زلزله بیپیددر از کان ستم به آغاز سخن برگردیم. بازو دهمیم به بازوی هم و نیثانی مرصوص بسازیم در برابر دشمن که نتیجه خون شهید باید اقتدار و وحدت ما را صدچندان کند. چنین هم خواهد شد، به حرمت خونی که خدا انتقامش را سخت خواهد ستاند به‌دست بهترین‌بندگان خویش. ●



یک صدا برای دفاع از حقوق شهرها

نشست هم‌اندیشی رؤسای شوراها

و شهرداران کلان شهرهای کشور در مشهد برگزار شد

← ۰۶

در آیین پایانی نخستین «جشنواره ملی

نمایشنامه‌نویسی اقتباسی گام دوم» مطرح شد

نویسندگی مظلوم‌ترین

وجه فرهنگ و هنر است

← ۰۴

مشاور وزیر و مدیرکل اطلاعات خراسان رضوی:

امکان مهار ایران به اذعان

دشمنان از بین رفته است

← ۰۳

فردای قیامت باید

بابت این زمین‌ها

پاسخ دهیم

اظهارات حجت الاسلام مروی

درباره زمین‌های رهای

آستان قدس رضوی

← ۰۲

راهی به جز صندوق

انتخابات برای اجرای

اهدافمان وجود ندارد

محسن هاشمی در سومین کنگره استانی

حزب کارگزاران سازندگی از لزوم مشارکت

اصلاح طلبان در انتخابات گفت

← ۰۳

بالآخره متری چند؟

رئیس سازمان محیط زیست کشور هزینه انتقال هر متر مکعب آب به استان

را ۸۰ هزار تومان اعلام کرد اما مدیر پروژه این رقم را صحیح نمی‌داند

← ۰۳

کارت طلایی برای فعالان دلسوز اقتصاد

استاندار در جلسه شورای گفت‌وگو از طرح خواسته‌های شرکت

پدیده در نشست سران قوا خبر داد

← ۰۶

یادداشت

بزرگ‌سرباز فدایی میهن



رها سلیمان پوری
سرمدیر شهرار محله

حدود اذان صبح بود که زنگ تلفن همراه هم به صدا درآمد. صدایی که چون خیلی نابه‌هنگام بود، نه تنها باعث بیداری ام شد که ناخودآگاه ترسی در دلم انداخت. آن سوی خط یکی از دوستان «معاود» (ایرانیان عودت داده شده از عراق) بود که چندماه قبل در جلسه‌ای با وی آشنا شده بودم. با او آن قدر دیدار برایم بقین شد که هر چند ایرانی نیست، زیرا که تمام نکتم، تعجیم آن‌گاه بیشتر شد که بدون سلام وعلیک کلماتی نامفهوم گفت و شروع به گریه کرد. اندک زمانی گذشت تا از میان سخنانش نام ابومهدی المهندس را بشنوم. مردی که در همان جلسه برای اولین بار و آخرین بار دیده بودمش، مردی که فارسی را شیرین حرف می‌زد و در همان دیدار باربرایم یقین شد که هر چند ایرانی نیست، اما ایرانی است، زیرا که تمام گفتار و کردارش به آثانی می‌مانست که بر اساس اندیشه‌های فرهنگی ایرانی بزرگ شده‌اند. مردی که آن قدر برایم جذابیت داشت که با دوست معاودم هم‌صدا گریه کنم. اما دوستم فقط برای ابومهدی المهندس گریه نمی‌کرد و این را وقتی فهمیدم که در آخر سخنانش از هم‌سفری این فرمانده والای عراقی باسردار بزرگ فدایی میهن، حاج قاسم سلیمانی، خبر داد و دیگر گریه‌امانش نداد که بگوید این ۲۰ بار از هم‌سفری زمینی به هم‌سفری آسمانی رسیده‌اند و لحظاتی بعد در حالی که من در بهت عمیقی بودم، تلفن قطع شد. لحظاتی بعد که به خود آمدم با این امید که حداقل خبر درباره این سردار فدایی میهن درست نباشد، به سراغ پایگاه‌های خبری مجازی رفتم، اما این خبر شوم صحت داشت. سایت‌هاو کانال‌های بسیاری رایک‌به‌یک بررسی کردم تا شاید در یکی از آن‌ها خبری خوش حال‌کننده ببینم و در این بین برخی خاطرات برایم زنده شد. خاطره اولین بار که سردار را در مراسم تشییع پیکر پاک سردار شهید حاج داوود کریمی دیدم یا خاطره حضور سرزده‌اش در عروسی دختر یکی از مسئولان سپاه قدس که البته نسبتی هم با این جانب داشت و کب و گفتش با حاضران در آن مجلس و خنده‌های تا ته دلش، همچنین خاطره خاص یکی از جلسات سیاسی که بهتر است بزرگانی که در آن جلسه بودند راجع به آن سخن بگویند تا من که اشتباهی در آن جمع حاضر بودم و سرانجام خاطره دیدار غیرمنتظره ام باسردار در یکی از کوچه‌های فرعی مشهد به‌هنگام گشت در بافت تاریخی شهر با تعدادی از دوستان انجمن توسعه گردشگری چهارباغ خراسان و بر خورد گرم و دوستانه شنتی‌اش با جوانان شهرم که آن قدر ناگهانی و غیرمنتظره بود که بیشتر دوستان باور نداشتند کسی که با آنان هم‌کلام‌شده، سردار قاسم سلیمانی، سرباز بزرگ فدایی میهن، است. خاطرات آمدند و رفتند، اما خبری خوش نبود، نبود تا اینکه تصاویری از پیکر پاک سردار منتشر شد. تصاویری که انگشت‌عقیق آن بیش از همه در چشم می‌زد. انگشت‌عقیقی که در دست او همانند خودش برای ایران زمین بود. و البته عقیق جواهری است که دستان بسیاری از مردم ایران را زینت می‌بخشد و به‌قطع بسیاری از ایرانیان هستند که هنگام نیاز همچون این سرباز فدایی میهن نقش عقیق را برای ایران زمین دارند. ●